

نوشتاروی مفاهمه

وفاق با جامعه از طریق تکریم «فرهنگ گفت وگو» محقق می شود



دکتر مهدی ذاکریان

استاد روابط بین الملل

الزامات تحقق وفاق، استفاده رئیس جمهوری از نظرات عالمان و اندیشمندان است. اگرچه اقداماتی نظیر حضور ایشان در منزل استاد محمدعلی موحّد یا دیدار ایشان با دکتر رضا داوری اردکانی و نشست با برخی اندیشمندان و اهالی دانشگاه انجام شده است، اما منظور ما در اینجا، تعامل مستمر و مسأله محور با اندیشمندان است. این تعامل نباید به سبک نمایشی یا اخذ «سیاست نامه»هایی از اساتید (پالیسی پیپر) باشد، بلکه باید به شکل گفت وگوهای آزاد و فارغ از قالب های حقوقی و خارج از پروتکل های سیاسی صورت گیرد تا کارگزاران و دولت مردان نگاه و گفتمان ذهنی طرف مقابل را درک کنند. هدف این گفت وگوها باید مصاحبت و تبادل نظر باشد، نه احوالپرسی صرف. در یک نمونه داخلی، دکتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق، در طول دوران مسئولیت خود، ارتباط مستمری با اساتید و اندیشمندان برقرار کرده بود. جلسات هفتگی او با دانشگاهیان و حتی دانشجویان، فرصتی بود تا نقطه نظرات مختلف به او منتقل شود و او نیز از این نظرات الهام گیرد و آنها را در عمل به کار بندد.

◀ اجماعی پایدار و مؤثر با جامعه

این نوع ارتباطات می تواند برای دولت مردان و کارگزاران دولت نیز مفید باشد، چرا که هم از خطاهای احتمالی در طرح اندیشه ها جلوگیری و هم به ایجاد گفتمان های مؤثر در عرصه بین المللی کمک می کند. برای مثال، سخنرانی رئیس جمهوری در سازمان ملل با جملات کلیدی مانند «ایران حاضر است سلاح های خود را زمین بگذارد، به شرط آنکه اسرائیل هم سلاح هایش را زمین بگذارد» نمونه ای از گفتمان سازی مؤثر در عرصه جهانی است. بنابراین، وفاق نیازمند بستری است که در آن گفت وگو، مفاهمه و تعامل مستمر با اندیشمندان و جریان های فکری مختلف امکان پذیر باشد و رئیس جمهوری باید ابتدا با ایجاد بستر میان خود و اندیشمندان، آن را عملی سازد. تنها در این صورت است که می توان امید داشت که مسیر وفاق دولت چهاردهم به اجماعی پایدار و مؤثر در جامعه منجر خواهد شد. ▶

«وفاق» و «نفاق» دو مفهوم متضادند که با دیواری بزرگ از هم جدا می شوند. نفاق، به معنای دورویی و دوگانگی در گفتار و رفتار است؛ جایی که افراد ادعای وطن پرستی و پیشرفت کشور را دارند، اما در عمل، رفتارشان به آسیب زدن به کشور، عقب ماندگی و نارضایتی مردم منجر می شود. اما وفاق، یک پدیده اجتماعی است که هدف آن ایجاد اجماع میان گروه هایی است که دیدگاه های متفاوت یا حتی متضاد دارند. این اجماع از طریق گفت وگوها و تبادل نظرهای متعدد و متنوع حاصل می شود تا دیدگاه ها به هم نزدیک شوند و وفاق و همدلی پدید آید. در نهایت، این فرآیند به شکل گیری یک نظر واحد در مورد یک موضوع مشخص منجر می شود.

است. بنابراین، وفاق در حوزه جناح ها و احزاب سیاسی اساساً میسر نیست و تعریف پروژه ای مشترک میان آنها بسیار سخت اتفاق می افتد.

اما وفاق در حوزه فرهنگ عمومی یا رابطه حاکمیت و مردم امکان پذیر است. شرط اصلی این وفاق، ایجاد بستر گفت وگو و مفاهمه است. برای مثال، موضوع هسته ای یکی از مسائلی است که می توان در آن به وفاق رسید؛ اینکه سطح پیشرفت این صنعت باتوجه به هزینه های آن چقدر باید باشد. یا در حوزه اقتصاد، بحث ارزش های تخصیصی موضوعی است که می توان میان حاکمیت و مردم به وفاق رسید.

◀ آنچه وفاق نیست؟

اگر وفاق به معنای تقسیم قدرت و تقسیم پست های سیاسی میان احزاب و جریان ها باشد، این دیگر وفاق نیست، بلکه تشکیل یک شرکت سهامی یا ائتلاف سیاسی است؛ نظیر آنچه در برخی کشورهای غربی رخ می دهد. این اتفاق معمولاً زمانی می افتد که جناح حاکم بر قوه مجریه، دارای رأی اکثریت شکننده است و تلاش می کند با تشکیل دولت ائتلافی، اهداف خود را پیش ببرد و بقای خود را تضمین کند؛ چنین رویکردی اساساً وفاق نامیده نمی شود. به عنوان توصیه باید گفت، یکی از مهم ترین

◀ تبیین تئوریک یک گفتمان

تحقق وفاق در جامعه کنونی ایران اساساً دشوار به نظر می رسد، چرا که اجرای گفتمان وفاق نیازمند برنامه ای عینی و مشخص است؛ اما هنوز برای بسیاری از تحلیلگران و حتی دولت مردان ما، اجزای این گفتمان به طور عینی و مشخص روشن نشده است. برای روشن شدن ابعاد گفتمان وفاق نیاز داریم که مشاوران و کارشناسانی در کنار دولت قرار گیرند که به طور مشخص در حوزه علوم انسانی و مفاهیم علوم اجتماعی صاحب نظر و متخصص باشند تا اجزای این گفتمان را به طور عملیاتی، هم برای کارگزاران و هم برای جامعه تبیین و تفسیر کنند. بی شک گفتمان وفاق در دولت چهاردهم بدون داشتن بستر تئوریک و مبانی علمی لازم، قدرت اجرایی نخواهد یافت.

از این روست که برای بسیاری از نخبگان سیاسی، اجرایی، فرهنگی و حتی کارگزاران دولت، وفاق و ابعاد مفهومی و اجرایی آن هنوز گنگ و مبهم است. به عنوان مثال، برخی وفاق را به معنای کنار گذاشتن اختلافات و رسیدن به یک نقطه اشتراک میان همه جریان ها و جناح ها تعریف می کنند، اما این تعریف اساساً غیرعملی است؛ چرا که احزاب و جناح های چپ و راست، چه در گذشته و چه در حال حاضر، برای کسب قدرت تلاش می کنند و نگاه شان به آینده کشور متفاوت